

... چند نکته ...

﴿ مسعود مافان ﴾

اسلامی اما بی اعتنا به اعلام خطرهای کارشناسانه، میلیاردها دلار سرمایه ملی را در صنایع نظامی هدر داده است. به دلیل فساد نهادینه شده بخش مهمی از درآمد حاصل از فروش نفت و گاز در حساب های شخصی قدرت مداران و وابسته گانشان در خارج از کشور ذخیره شده است. در مصیبتی چنین عظیم که اکنون مردم ما را به سوگ نشانده است غم خواری مردمی به بلای طبیعت گرفتار آمده اما به حق، با خشم علیه حکومتی همراه است که با سیاست های خود مرگ و نابودی را مضاعف می کند.

دست اندرکاران باران همراه با همه کسانی که در این مصیبت به سوگ نشسته اند سوگوارند.

۲

خبر اعطای جایزه ی صلح نوبل ۲۰۰۳ به خانم شیرین عبادی شادمانی همه ایرانیان و به ویژه فعالان جنبش زنان و حقوق بشر در ایران را برانگیخت. اعطای این جایزه به یک زن ایرانی

سومین فصلنامه ی باران زمانی منتشر می شود که طبیعت و حکومت مصیبتی بزرگ را بر مردم ما آوار کرده اند. زمین لرزه ای با قدرت ۶٫۳ ریشتر شهرستان بم و بیش از ۶۰ روستای اطراف آن را ویران و چراغ ده ها هزار زنده گی را در کام سیاه مرگ خاموش کرد. زمین لرزه ای مشابه در کالیفرنیا چندی پیش تنها چند کشته بر جای گذاشت.

در ده سال گذشته چند زمین لرزه، با تلفات جانی و مالی بسیار سنگین، در ایران رخ داد. بخش های بزرگی از کشور ما از جمله تهران در معرض خطر زلزله قرار دارند. کارشناسان بارها، و در این اواخر هر ماه، با تاکید بر حتمی بودن خطر و تعیین محل و زمان تقریبی زلزله، دولت را به اقدامات پیش گیرانه ای که در همه دنیا رایج است فراخواندند. اقداماتی چون احداث ساختمان های مقاوم، اعلام خطر به موقع، آماده گی برای مقابله سریع با نتایج ناخواسته، کشورهای دیگری را که چون ایران در خطر زلزله قرار دارند از مرگ و تخریب زلزله نجات داده است. دولت جمهوری

نشان از توجه دنیا به وضعیت زنان و حقوق بشر در ایران دارد. با این امید که خانم **شیرین عبادی** فراتر از سیاست‌های جناح‌های حکومتی در ایران بتواند در زمینه ارتقاء حقوق بشر و محو تبعیض‌های جنسی در ایران گام‌های موثری بردارد، دریافت جایزه صلح نوبل را به او و همه ی آنانی که برای دمکراسی و گسترش حقوق بشر در ایران می‌کوشند تبریک می‌گوئیم.

۳

در شماره نخست **باران** نوشتیم که باران فضایی باز خواهد بود برای همه کسانی که در عرصه ی هنر و ادبیات و فرهنگ حرفی نو برای گفتن و کاری جدی برای عرضه کردن دارند. کوشش تاکنونی باران در همین سه شماره در این راه بوده است. می‌دانیم که تا رسیدن به هدف، تا تبدیل **باران** به فضایی آزاد برای ارائه ی بحث‌های موثر و کارآمد فرهنگی و آثار خلاقه بزرگ راه درازی در پیش داریم. در فرهنگی میراث‌دار استبدادی دیرسال و دیرپاست، گفت و شنید و طرح پرسش در عرصه ی فرهنگ و ادبیات کاری آسان نیست که به زمانی کوتاه و بی جنبشی همه‌گانی حاصل شود. اما نیاز به چاپ متن‌هایی که پرسش‌های اساسی جامعه ما را در عرصه نظری مطرح کنند، نیاز به چاپ آثاری که در عرصه های شعر و داستان تصویری صادق از تلاش‌های خلاقانه جامعه‌ی معاصر ما عرضه کنند چندان است که نشانه‌های آن را در بیش‌تر کتاب‌ها و نشریات فرهنگی داخل و خارج از کشور می‌توان دید. نقد سنت و مذهب، نقد تاریخ سیاسی و فرهنگی و ادبی و به ویژه تاریخ ۱۰۰ و اندی سال اخیر، نقد منظرها و دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی و هنری که تاریخ معاصر ما را شکل داده‌اند از سویی و تلاش‌های خلاق در عرصه‌های گوناگون ادب و هنر از دیگر سو، نشانه‌های گویای نیازی هستند که پاسخ بدان راه بر توسعه ی فرهنگی جامعه ما هموار خواهد کرد. **فصلنامه‌ی باران** بر آن است تا در این تلاش که به گسترش فرهنگ چند صدایی و مدارا، به نهادینه شدن دفاع از حق مخالف و حق حضور و مشارکت و فعالیت اقلیت، راه می‌برد، سهمی داشته باشد. سهم و نقشی که اندازه‌ها و وزن آن را کوشش ما از سویی و یآوری‌های شما از دیگر سو تعیین می‌کند.

۴

فصلنامه‌ی باران بر آن است تا دیواری را که ناروا میان دو پاره‌ی داخل و خارج فرهنگ ایران برآورده‌اند نادیده گرفته و کارکردهای فرهنگی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی و مرزبندیهای سیاسی تحقق بخشد. تنوع آثاری که در سه شماره باران چاپ شده، اگر نه هنوز در حد و سطح مطلوب، گواهی است بر این ادعای ما.

فصلنامه‌ی باران اما یکی از هدف‌های خود را معرفی آثار نویسندگان و اندیشه‌ورزان ایرانی در خارج از کشور قرار داده است. مخاطبان داخل کشور، و دریغاً که حتا بسیاری از نویسندگان و دیگر دست‌اندرکاران عرصه‌های فرهنگی، به دلایل گوناگون و از جمله مرزبندی‌های سیاسی بی‌گانه با فرهنگ، از خلاقیت‌های ادبی و هنری و نظری ایرانیان خارج از کشور بی‌اطلاع مانده‌اند. هیچ‌کس نمی‌تواند نقش عواملی چون سانسور، ترس، مشکلات ارسال کتاب و نشریه به داخل کشور را نادیده بگیرد اما بی‌گانه‌گی و بی‌اطلاعی برخی از دست‌اندرکاران فرهنگ و ادب و هنر داخل کشور از تلاش همکاران و هم‌زبانان آنان در خارج گاه نیز رگه‌هایی از تنبلی و کاهلی و جمود فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. مباد که خلاقان عرصه‌های فرهنگی ما در داخل، مرزبندی‌های سیاسی بی‌گانه با فرهنگ را که حکومت تحمیل کرده است به رغبت و از سر هم‌راهی با قدرت یا ناخواسته و از سر ناآگاهی پذیرفته باشند.

در یکی دو سال اخیر به همت تنی چند که ضرورت پیوند دو پاره‌ی داخل و خارج فرهنگ ایران را دریافته و در این راه گام‌هایی ارزنده برداشته‌اند امکان شناخت آثار ارزنده‌ای که در خارج از مرزهای سیاسی جمهوری اسلامی اما در متن فرهنگ و ادب ایران خلق شده‌اند برای مخاطبان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های فرهنگی داخل کشور فراهم شده است. برخی از این امکان برای ارتقاء بینش و دانش خود بهره گرفته و افق ذهنی و چشم انداز فرهنگی خود را گسترش داده‌اند. برخی اما لجوجانه و ناخوانده پیش‌داوری‌های نادرست خود تکرار می‌کنند بی آن که زحمت خواندن و شناختن را، که شرط اولیه هر داوری است، بر خود هموار کنند. اینان احکام قطعی صادر می‌کنند و بر خلاقیت دیگرانی

که نمی‌شناسند قلم بطلان می‌کشند. برای دیدن نمونه‌هایی از این دست نگاهی اجمالی به برخی از احکام جزمی که در بحث ادبیات تبعید و مهاجرت در تارنمای "ایسنا" آمده است کافی است.

یکی گفته است که ادبیات مهاجرت در حال جدی شدن است. یعنی تاکنون جدی نبوده است. دیگری ادبیات ایرانیان خارج از کشور را به ادبیات خشن و ادبیات عارفانه تقسیم بندی کرده است. یکی گفته است که در دهه های اخیر، نویسندگان مهاجر آثار ارزشمند و برجسته‌ای که جریان‌ساز باشد، خلق نکرده‌اند و ...

نظرات مطرح شده در تارنمای ایسنا می‌توانست بحث برانگیز و راه‌گشا باشد اگر احکامی از این دست، بر شناخت یا دست کم بر مطالعه، اگر نه همه که برخی از آثار چاپ شده در خارج از کشور استوار می‌بود. تنها فهرست، سال انتشار و عنوان کتاب‌های چاپ شده در خارج از کشور نشان می‌دهد که به رغم تنش‌های ناگزیر فرهنگی و روانی سال‌های آغازین تبعید و مهاجرت، و حتی در آن سال‌ها نیز، آثاری با ارزش و ماندنی در داستان و شعر و مباحث نظری در خارج از کشور خلق شده است. آثاری چندان با ارزش که به رغم همه موانع از مرزهای سانسور و سیاست بر گذشته‌اند و در داخل کشور نیز چون آثاری ماندنی، مطرح و اثر گذار در میان برخی از اهل نظر شناخته شده‌اند. **رمان سوره الغواب اثر محمود مسعودی** در همان سال‌های نخست مهاجرت منتشر شد. در میان فهرست کتاب‌های چاپ شده در خارج از کشور آثاری چون **آقای صدا، آقای صدا، اثر ایرج رحمانی، ایسی ایسی، اثر رحیمیان، خسرو خوبان اثر رضا دانشور، آن سوی مرداب، نه‌توی عشق و کین تعزیه‌داران و از پس شانه‌ی شاه اثر سردار صالحی**، در حضر و در سفر، مجموعه‌های چهارگانه‌ی مادران و دختران **مهشید امیرشاهی، چاه بابل رضا قاسمی، مرایی کافر است نسیم خاکسار، کافه رنسانس و گسلی ساسان قهرمان** و ... نوشته‌ها و رساله‌های با ارزش حورا یاوری، بهروز شیدا، ملیحه تیره گل، آرامش دوستدار، **محمد رضا فشاهی** و ... دیده می‌شود. چند تن از کسانی که در بحث تارنمای ایسنا در باره‌ی ادبیات و هنر ایران در خارج از کشور احکام جزمی و پیش‌داورهایی از آن دست که آمد رایج داده‌اند این آثار را خوانده‌اند؟

زنده یاد **فرخ تمیمی** برای اثبات یکی از احکام خود دشوار بودن زبان آلمانی را به عنوان یکی از مشکلات نویسندگانی چون **منصور کوشان، نسیم خاکسار و شکوه میرزادگی** ذکر می‌کند، در حالی که هیچ یک از اینان در کشورهای آلمانی زبان زندگی نمی‌کنند.

۵

فرهنگ و کار فرهنگی نه جاده‌ای یک یا حتا دو طرفه که مسیری چند طرفه است. تنوع و رنگارنگی ذات کار فرهنگی است. چند صدایی بودن به معنای آن است که حق حضور دیگری را به رسمیت بشناسیم. این اما به معنای پذیرفتن نیست. شناختن حق حضور دیگری در فرهنگ به معنای آن است که دیگری را بخوانیم، دیگری را بفهمیم، با دیگری به زبان فرهنگ که زبان درک متقابل است سخن بگوییم هر چند که او، منظر و سبک و روال او و اثر یا آثار او را نپسندیم. دو پاره‌ی داخل و خارج فرهنگ ایران گرچه دو موقعیت متفاوت انسان ایرانی را مطرح می‌کنند اما از بستر مشترک فرهنگ ایران، از سرنوشت مشترک ما برخاسته‌اند. **فصلنامه‌ی باران** می‌کوشد تا در پیوند ضروری این دو پاره که سیاست و سانسور آن‌ها را جدا کرده است سهمی موثر داشته باشد.

۶

توسعه و ارتقاء فرهنگی را شرط ضرور توسعه سیاسی و اقتصادی می‌دانند. فرهنگ در تنوع و گفت و شنید آزاد است که می‌بالد. **باران** همت خود را در گسترش فرهنگ چند صدایی و انتشار آثار با ارزش نهاده است و یاری شما را، که با آثارتان **باران** را غنی‌تر می‌کنید، طلب می‌کند.

...

...